

توانایی مدیریت و گزارشگری مالی متقلبانه با توجه به نقش تعدیلگری شرکت‌های وابسته به دولت و طبقه حسابرس

میثم دعائی^۱

الهام گوهری^۲

چکیده

این تحقیق به بررسی رابطه توانایی مدیریت و گزارشگری مالی متقلبانه با توجه به نقش تعدیلگری وابستگی به دولت و طبقه حسابرس، با استفاده از داده‌های ۱۰۵ شرکت از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار در طی دوره زمانی ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۶ پرداخته است. در این پژوهش متغیر گزارشگری مالی متقلبانه، متغیر وابسته می‌باشد که با استفاده از مدل مدیریت سود محاسبه شده است و همینطور متغیر توانایی مدیریت به عنوان متغیر مستقل، متغیرهای وابستگی به دولت و طبقه حسابرس به عنوان متغیرهای تعدیلگری و متغیرهای نوسانات قیمت سهام، اندازه شرکت، بازده حقوق صاحبان سهام، نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار، سن شرکت و اهرم مالی شرکت به عنوان متغیرهای کنترلی استفاده شده است. علاوه بر این ضمن بکارگیری روش تحلیل داده‌های پنل، جهت آزمون فرضیه‌های پژوهش از مدل رگرسیون چند متغیره استفاده شده است. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها، بیانگر این است توانایی مدیریت به تنهایی دارای اثر مثبت و معناداری بر گزارشگری مالی متقلبانه می‌باشند. همچنین نتایج تحقیق بیانگر این است که متغیرهای وابستگی به دولت و طبقه حسابرس دارای نقش تعدیلگری بر رابطه بین توانایی مدیریت و گزارشگری مالی متقلبانه نمی‌باشند.

واژگان کلیدی: گزارشگری مالی متقلبانه، توانایی مدیریت، وابستگی به دولت، طبقه حسابرس

طبقه‌بندی موضوعی: M41, M42, M48, M38

۱. گروه مدیریت مالی، واحد اسفراین، دانشگاه آزاد اسلامی، اسفراین، ایران (نویسنده مسئول) mdoaeii@gmail.com

۲. کارشناسی ارشد مدیریت مالی دانشگاه آزاد اسلامی، اسفراین، ایران.

۱- مقدمه

با توجه به گسترش روز افزون بازارهای مالی، نقش اصلی اطلاعات حسابداری در فعالیت‌های سرمایه‌گذاری، فراهم کردن زمینه‌های لازم برای تخصیص بهینه منابع است. در پی رسوایی‌های مالی اخیر، اطمینان و اعتماد سرمایه‌گذاران به سیستم گزارشگری مالی تضعیف شده و کیفیت گزارشگری مالی به عنوان عامل مهمی در تعیین اعتبار و قابلیت اعتماد ارقام گزارش شده پدیدار گشت. در نتیجه تعیین صحت اطلاعات حسابداری و نتایج حاصل از آن، مورد علاقه سرمایه‌گذاران، مدیران، قانون‌گذاران و تدوین‌کنندگان استانداردها است. تقلب در گزارشگری و حسابداری مالی در سال‌های اخیر رشد قابل توجهی داشته است. امروزه مجامع قانون‌گذار، حرفه حسابداری و مدیریت به علل ایجاد تقلب و راه‌های موجود به منظور جلوگیری از وقوع رفتار متقلبانه در گزارشگری مالی توجه خاصی کرده‌اند. تحریف صورت‌های مالی، شامل دستکاری عناصر تشکیل دهنده آن‌ها از طریق ارائه بیش از واقع دارایی، فروش و سود یا ارائه کمتر از واقع بدهی، هزینه و زیان است. در مواقعی که صورت‌های مالی حاوی تحریفی با اهمیت است به گونه‌ای که عناصر تشکیل دهنده آن صورت مالی بیانگر واقعیت نباشد، گفته می‌شود که تقلب صورت گرفته است. به رغم تحقیقات متعدد خارجی در خصوص کشف تقلب در گزارش‌های مالی، در داخل کشور به این موضوع توجه زیادی نشده است. مسئله گزارشگری مالی متقلبانه در ایران از اهمیتی ویژه برخوردار است. افزایش تعداد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس که به منظور جذب منابع مالی به انتشار اوراق بهادار اقدام می‌کنند، تلاش به منظور کاهش مالیات بر سود و ... از جمله دلایل اهمیت موضوع است؛ لذا با توجه به اهمیت کشف تقلب در گزارشگری مالی در جهت حمایت از منافع سرمایه‌گذاران، تصمیم بر آن شد تا به بررسی این مسئله پرداخته شود. متغیرهای مورد استفاده به منظور کشف تقلب در گزارشگری مالی (مانند بسیاری از تحقیقات در این زمینه)، تعدادی نسبت مالی بوده که در ادامه معرفی خواهد شد. گزارش‌های مالی از مهم‌ترین محصولات فرآیند حسابداری هستند که اهداف عمده آن‌ها فراهم آوردن اطلاعات لازم برای ارزیابی عملکرد، توانایی سودآوری شرکت‌ها و پیش‌بینی جریان‌های نقدی آینده است. این روزها حسابرسی در دنیا تبدیل به حرفه‌ای ضروری و بسیار مورد نیاز شده است، چراکه شواهد متعددی از تلاش‌های بسیار در دستکاری فریبکارانه گزارش‌های مالی شرکت‌ها صورت می‌گیرد. جلوگیری، کشف و تجسس تقلب در صورت‌های مالی شرکت‌ها، امروز بیش از هر زمان دیگری دغدغه‌ای جدی برای حسابداران رسمی دنیا شده است و حسابداران رسمی را بیش از هر زمان دیگر برای ارائه خدمات

پیشگیرانه یا واکنشی مربوط به تقلب، به خدمت می‌گیرند. به طور خاص، توانایی مدیریت با تجدید ارائه کمتر صورت‌های مالی، پایداری بالای سود، پایداری بالای ارقام تعهدی و خطای کمتر در تخمین مطالبات مشکوک الوصول همبسته است. از طرفی استقرار نظام حاکمیت شرکتی به اجرای اثربخش وظایف هیئت‌مدیره و رعایت الزامات قانونی کمک مؤثری می‌کند. با گسترده شدن شرکت‌ها و مؤسسات مالی خطر جدایی مالکیت از مدیریت احساس می‌شود که می‌تواند شرکت را به سمت بحران مالی هدایت کند. نیاز به حاکمیت شرکتی (نظام راهبری شرکت) از تضاد منافع بالقوه بین افراد حاضر در ساختار شرکت ناشی می‌شود. در یک نگاه کلی حاکمیت شرکتی، شامل ترتیبات حقوقی، فرهنگی و نهادی می‌شود که سمت و سوی حرکت و عملکرد شرکت‌ها را تعیین می‌کنند. عناصری که در این صحنه حضور دارند عبارتند از: سهامداران و ساختار مالکیت آن‌ها، اعضای هیئت مدیره و ترکیبات آن‌ها، مدیریت شرکت که توسط مدیر عامل یا مدیر ارشد اجرایی هدایت می‌شود و سایر ذینفعان که امکان اثرگذاری بر حرکت شرکت را دارند (مورک و یونگ، ۲۰۰۵).

مدیران عالی به دلیل دسترسی به اطلاعات درونی و محرمانه شرکت، انتظار می‌رود دارای درک بیشتری از کسب و کارشان باشند که این امر موجب می‌شود آنها برآوردها و قضاوت‌های بهتری را انجام دهند. در تئوری‌های حسابداری توانایی مدیریت یکی از ابعاد سرمایه انسانی شرکت‌ها است که به عنوان دارایی نامشهود طبقه بندی می‌شود. توانایی مدیریت را به عنوان کارایی مدیران نسبت به رقبا در تبدیل منابع شرکت به درآمد تعریف می‌کنند (دمرجیان و همکاران، ۲۰۰۶). این منابع تولید درآمد در شرکت‌ها شامل بهای موجودی‌ها، هزینه‌های اداری و توزیع و فروش، دارایی‌های ثابت، اجاره‌های عملیاتی، هزینه‌های تحقیق و توسعه و دارایی‌های نامشهود شرکت، می‌شود. توانایی مدیریتی بالاتر می‌تواند منجر به مدیریت کارا تر عملیات روزانه شرکت و بهبود گزارشات مالی شود، خصوصاً در دوره‌های بحرانی عملیات، که تصمیم‌گیری‌های مدیریتی می‌تواند تاثیر به‌سزایی بر روی عملکرد شرکت داشته باشد. افزون بر آن، در دوره‌هایی که شرکت با بحران روبه‌روست، مدیران توانا تر تصمیم‌گیری مناسب‌تری در ارتباط با تامین منابع مورد نیاز خواهند داشت. سرمایه‌گذاری مناسب‌تر در پروژه‌های با ارزش‌تر و مدیریت کارای کارمندان نیز از ویژگی مدیران توانمند است.

3. Morck and Youeng

4. Demerjian & et al

در شرایط پیچیده و متغیر دوران گذار، بسیاری از جوامع جهان سوم به دموکراسی رسانه‌های جمعی، به مثابه یکی از مهم‌ترین عوامل جامعه‌پذیری و فرهنگ‌پذیری سیاسی مدیران، توجه دارند و به نقش بسیار حساس این رسانه‌ها در افزایش سطح آگاهی‌های سیاسی، ترغیب مدیران به مشارکت و گزینش‌گری سیاسی و به طور کلی آماده ساختن افکار عمومی برای برعهده گرفتن نقش‌های سیاسی در سازمان و وابستگی به دولت (درمقام انتخاب شوندگان و نخبگان سیاسی یا انتخاب کنندگان و مدیران سیاسی) و حضور در فرایندهای انتخابات قانونی، آزاد و مستقل با حضور طیف‌های متنوع سیاسی، فرهنگی، قومی، نژادی، و مذهبی اهمیت می‌دهند. یکی دیگر از عوامل مهم و شایان توجه که کیفیت گزارشگری مالی شرکت را تحت تأثیر قرار می‌دهد، ارتباطات سیاسی مدیران در بنگاه‌های اقتصادی است. روابط و نفوذ سیاسی و دولتی نه تنها بر وضعیت مالی سازمان‌ها تأثیر می‌گذارد، بلکه انگیزه‌های مدیران را نیز در ارتباط با گزارشگری مالی تحت تأثیر قرار می‌دهد. انتظار می‌رود این وضعیت در نهایت سبب ایجاد تفاوت‌های چشمگیر در کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌هایی شود که در مقایسه با سایر شرکت‌ها روابط سیاسی گسترده‌ای دارند. در کشور ما هیچ نهادی بطور مستقیم برای تحقیق و کشف موارد تقلب احتمالی و نیز هیچ پایگاه اطلاع‌رسانی برای گزارش این قبیل موارد وجود ندارد. نهادهایی از قبیل سازمان بورس اوراق بهادار اطلاعات احتمالی مربوط به هرگونه تحریف و بطور خاص تقلب در صورت‌های مالی را در اختیار عموم و تحلیلگران قرار نمی‌دهند. از این رو با توجه به موارد ذکر شده و نیاز به بررسی و ارزیابی بیشتر در حوزه گزارش‌گری مالی متقالبانه، توانایی‌های مدیریت و ارتباطات سیاسی این تحقیق به ارزیابی و بررسی ارتباط میان توانایی مدیریت، ارتباطات سیاسی و گزارش‌گری مالی متقالبانه در بورس اوراق بهادار تهران می‌پردازد.

۲- پیشینه پژوهش

۲-۱- پیشینه داخلی

نیکومرام و بادآور (۱۳۸۸) در تحقیقی عوامل مؤثر بر انتخاب کیفیت گزارشگری مالی در ایران را شناسایی و ارزیابی کرده‌اند. نتایج آنها نشان می‌دهد کیفیت گزارشگری مالی با حاشیه سودآوری، و کارایی مدیریت شرکت رابطه مثبت و با رقابت در بازار محصول، محافظه‌کاری مدیریت، اندازه، سرمایه بر بودن فعالیت، چرخه عملیاتی و پیچیدگی محیط فعالیت شرکت رابطه منفی دارد. با این حال، بین کیفیت گزارشگری مالی با فرصت‌های رشد، تمرکز مالکیت، ساختار هیئت مدیره، مالکیت اعضای

هیئت مدیره، صداقت مدیریت، و اهرم مالی شرکت رابطه‌ای مشاهده نشده است. همچنین، بر مبنای آزمونهای چندمتغیره الگوهایی ارائه شده که امکان پیش‌بینی کیفیت گزارشگری مالی برای دوره مالی آینده را فراهم می‌کند.

رضایی و ویسی حصار (۱۳۹۳)، در تحقیقی با عنوان "اثر روابط سیاسی با دولت بر رابطه بین تمرکز مالکیت با کیفیت گزارشگری مالی و هزینه سهام عادی" به بررسی اثر روابط سیاسی با دولت بر رابطه تمرکز مالکیت با گزارشگری مالی و هزینه سهام عادی در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته و نتایج تحقیقات ایشان نشان داد در شرکت‌هایی که ساختار مالکیت متمرکز است، کیفیت سود نیز بالاست؛ حال آنکه در شرکت‌های دارای روابط سیاسی گسترده با دولت که ساختار مالکیت متمرکزی دارند، کیفیت سود پایین است. همچنین در شرکت‌هایی که ساختار مالکیت متمرکزی دارند، هزینه سهام عادی پایین است، ولی در شرکت‌های دارای روابط سیاسی گسترده با دولت که ساختار مالکیت متمرکزی دارند، هزینه سهام عادی بالا است.

کردلر و پیجا (۱۳۹۴)، در تحقیقی با عنوان "بررسی رابطه توانایی مدیریت و کیفیت گزارشگری مالی در بورس اوراق بهادار تهران" به بررسی توانایی مدیریت و کیفیت گزارشگری مالی در بورس اوراق بهادار پرداخته و یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که بین توانایی مدیریت و کیفیت گزارشگری مالی رابطه معناداری وجود دارد و رابطه آن‌ها منفی است، که این یافته با پژوهش‌های مشابه از قبیل دمرجیان و همکاران (۲۰۱۲) سازگاری ندارد. البته با در نظر گرفتن تأثیر متغیر دامی (اندازه حسابرس) بر متغیرهای مستقل و کنترل‌شده مشاهده می‌شود که توانایی مدیریت با کیفیت گزارشگری مالی رابطه مثبت دارد.

سیاسی و همکاران (۱۳۹۵)، در تحقیقی با عنوان "آیا انواع معینی از تقلب گزارشگری مالی منجر به وقوع دعاوی با احتمال بالا علیه حسابرسان مستقل می‌شود یا خیر" به بررسی این موضوع پرداختند که آیا انواع معینی از تقلب گزارشگری مالی منجر به وقوع دعاوی با احتمال بالا علیه حسابرسان مستقل می‌شود یا خیر؟ آن‌ها رده‌بندی جدیدی از انواع مدارک تقلب ارائه نمودند که شامل ۱۲ طبقه کلی می‌شود. آن‌ها دریافتند که حسابرسان هنگامی که تقلب‌های گزارشگری مالی از انواع معمولی و یا هنگامی که تقلب‌های ناشی از مبادلات ساختگی را کشف نمایند، بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرند.

حسینی و همکاران (۱۳۹۶)، در تحقیقی با عنوان "بررسی رابطه بین سرمایه‌گذاران نهادی با حق‌الزحمه حسابرسی با مدنظر قرار دادن ارتباطات سیاسی" به بررسی و تبیین نقش ارتباطات سیاسی

در رابطه میان سرمایه گذاران نهادی با حق الزحمه حسابرسی پرداختند. نمونه آماری مورد نظر تحقیق، ۱۱۱ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است که در دوره زمانی ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ مورد بررسی قرار گرفته‌اند. ابزار تجزیه و تحلیل در این پژوهش نرم افزار ایویوز می‌باشد. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که بین سرمایه گذاران نهادی با حق الزحمه حسابرسی، به تنهایی، رابطه معناداری وجود ندارد. بلکه با در نظر گرفتن نقش ارتباطات سیاسی بین سرمایه گذاران نهادی با حق الزحمه حسابرسی رابطه مثبت و معناداری به وجود می‌آید.

۲-۲- پیشینه خارجی

ژانگ و همکاران (۲۰۱۰) پژوهشی در مورد رابطه بین ساختار مدیریت و گزارشگری مالی متقبلانه با فهرستی از ۸۷ شرکت جریمه شده توسط وزارت امور مالی و بورس اوراق بهادار چین برای گزارشگری مالی متقبلانه انجام دادند. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که تعداد ناظران، مقیاس اجرایی، متوسط سن مدیران به طور مثبت مربوط به گزارشگری مالی متقبلانه است. حال آنکه تعداد هیئت مدیران، رئیس هیئت مدیره، نسبت مدیران و ناظران با گزارش‌های مالی متقبلانه یک رابطه منفی وجود دارد. نتایج نشان می‌دهد سازمان‌دهی ساختار مدیریت یک شرکت تأثیر مهمی بر کیفیت گزارشگری مالی گذاشته است.

فراسر و همکاران^۵ (۲۰۱۲)، در تحقیقی با عنوان "ساختار سرمایه و حامی سیاسی: مطالعه موردی مالزی" در پژوهشی بیان کردند که شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی و وابسته به دولت در مالزی، به طور عمده اهرم مالی بالاتری در مقایسه با سایر شرکت‌ها دارند و همچنین این شرکت‌ها به طور ذاتی ریسک بیشتری نسبت به شرکت‌های بدون ارتباطات سیاسی دارند.

چانی و همکاران^۶ (۲۰۱۴)، در تحقیقی با عنوان "کیفیت اطلاعات حسابداری در شرکت‌های با ارتباطات سیاسی" به بررسی رابطه کیفیت اطلاعات حسابداری در شرکت‌های با ارتباطات سیاسی پرداختند. نتایج تحقیق نشان دادند به سه دلیل کیفیت سود در شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی به طور معناداری ضعیف‌تر از سایر شرکت‌ها است. اول؛ در شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی، سود ناشی از ارتباطات بیش از هزینه‌هایی است که برای این ارتباطات متحمل می‌شوند. مدیران این شرکت‌ها گزارشگری منافع دریافتی ناشی از ارتباطات سیاسی خود را با اهداف عمدی برای گمراه کردن سرمایه گذاران به تأخیر می‌اندازند تا هزینه‌های آن‌ها جبران شود.

⁵ Fraser et al

⁶ Chani & et al

دمرجیان و همکاران^۷ (۲۰۱۶)، در تحقیقی با عنوان "رابطه بین کیفیت گزارشگری مالی و توانایی مدیریت" به بررسی رابطه بین کیفیت گزارشگری مالی و توانایی مدیریت پرداختند. ایشان به این نتیجه رسیدند که کیفیت گزارشگری مالی با توانایی مدیریت رابطه مثبت دارد. نتیجه تحقیقات ایشان بدین صورت است که مدیران می‌توانند بر روی کیفیت قضاوت‌ها و برآوردهایی که در محاسبه سود کاربرد دارند، تأثیر بگذارند. لازم به ذکر است پژوهش‌های صورت گرفته در رابطه با توانایی مدیریت در ایران بسیار محدود است.

لینگ و همکاران^۸ (۲۰۱۶)، در تحقیقی با عنوان "تأثیر سیاسی شرکت‌ها بر تامین مالی، سرمایه‌گذاری شرکت‌های بزرگ، و عملکرد مالی" به بررسی تأثیر سیاسی شرکت‌ها بر تامین مالی، سرمایه‌گذاری شرکت‌های بزرگ، و عملکرد مالی پرداختند. نتایج نشان داد که شرکت‌های با ارتباطات سیاسی قوی‌تر و وابستگی به دولت، معمولاً دسترسی آسان‌تری به تامین مالی بلندمدت دارند. هر چند ارتباطات سیاسی ممکن است به شرکت‌ها برای به دست آوردن منابع مالی بیشتر و افزایش بار مالی کمک کند، اما مداخله سیاستمداران ممکن است موجب تحریف در تخصیص منابع اجتماعی و در نتیجه عملکرد ضعیف شود.

بلیس و گول^۹ (۲۰۱۷)، در تحقیقی با عنوان "ارتباطات سیاسی و اهرم مالی: شواهدی از مالزی" به بررسی ارتباط بین روابط سیاسی و هزینه بدهی پرداختند. یافته‌های آن‌ها نشان داد از دید بازار سرمایه و شرکت‌های حسابرسی، شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی دولتی ریسک بیشتری نسبت به سایر شرکت‌ها دارند. شواهد آن‌ها نشان داد این شرکت‌ها به طور عمده؛ هزینه بدهی بالاتر، گزارشگری زیان بیشتر و حقوق صاحبان سهام منفی بیشتری دارند و بیشتر از ۱۴ درصد توسط یک شرکت حسابرسی بزرگ، حسابرسی می‌شوند. آن‌ها دریافتند که ۵ شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی نمونه، حقوق صاحبان سهام منفی داشتند. در حالیکه آن‌ها مطابق قانون ورشکسته بودند، ولی به فعالیت خود ادامه می‌دادند. همچنین، وجود دوگانگی وظیفه مدیرعامل در شرکت‌های وابسته سیاسی برای وام دهندگان، ریسک بیشتری دارد و نسبت بالاتر مدیران مستقل عضو کمیته حسابرسی، این ریسک را کاهش می‌دهد.

7. Demerjian et al

8. Ling et al

9. Bliss & Gul

۳- فرضیه‌های تحقیق

با توجه به بیان مسئله و اهداف پژوهش، فرضیه‌های تحقیق بصورت زیر مطرح می‌گردند:

فرضیه ۱: بین توانایی مدیریت و احتمال وقوع گزارشگری مالی متقلبانه در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه ۲: وابستگی به دولت دارای نقش تعدیلگری معناداری بر رابطه بین توانایی مدیریت و احتمال وقوع گزارشگری مالی متقلبانه در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد.

فرضیه ۳: طبقه حسابرس دارای نقش تعدیلگری معناداری بر رابطه بین توانایی مدیریت و احتمال وقوع گزارشگری مالی متقلبانه در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد.

۴- روش شناسی تحقیق

تحقیق‌های علمی معمولاً بر اساس «هدف» و «ماهیت و روش» طبقه‌بندی می‌شوند. بر اساس دسته‌بندی پژوهش‌ها بر حسب هدف، پژوهش حاضر از نوع کاربردی است. به علاوه از نوع تحقیقات شبه تجربی و در حوزه تحقیقات توصیفی (غیرآزمایشی - پیمایشی) است. همچنین با توجه به اینکه در این پژوهش برای محاسبه متغیرها از اطلاعات گذشته استفاده شده است، از نوع پژوهش‌های پس رویدادی است. بر اساس روش پژوهش، پژوهش حاضر از نوع همبستگی است که در این نوع پژوهش، رابطه میان متغیرها بر اساس هدف پژوهش، تحلیل می‌گردد.

۵- متغیرهای تحقیق

۵-۱- متغیر وابسته

گزارشگری مالی متقلبانه^{۱۰}

جهت اندازه‌گیری این متغیر از متغیر مدیریت سود استفاده می‌شود (عبدلی و همکاران، ۱۳۹۲). هیلی ووالن (۱۹۹۹) بیان می‌کنند، مدیریت سود زمانی رخ می‌دهد که مدیر برای گزارشگری مالی از قضاوت شخصی خود استفاده می‌کند و این کار را با هدف گمراه کردن برخی از سهامداران درباره عملکرد واقعی اقتصادی و یا برای تاثیر در نتایج قراردادهایی که به ارقام حسابداری گزارش شده

بستگی دارند، انجام می‌دهد (یعقوب نژاد و همکاران، ۱۳۹۱). در این تحقیق متغیر وابسته مدیریت سود است از مدل تعدیل شده جونز استفاده خواهد شد (دیچو و همکاران، ۱۹۹۵). شکل تعدیل شده‌ای از مدل جونز را ارائه دادند. به نظر ایشان در مدل جونز بطور ضمنی فرض بر آن است که ارقام درآمد، نه در زمان برآورد پارامترهای مدل (دوره رویداد) و نه در زمان تخمین مدیریت سود (دوره برآورد) مورد اعمال نظر و دستکاری مدیریت قرار نمی‌گیرند. ارقام تعهدی شامل ارقام تعهدی اختیاری و غیر اختیاری است. ارقام تعهدی اختیاری را مدیریت تعیین می‌کند؛ اما ارقام تعهدی غیر اختیاری تحت تأثیر چرخه‌ی عملیات واحد تجاری قرار دارند و در اختیار مدیریت نیستند (بولو و حسینی، ۱۳۸۶). براساس این روش جمع ارقام تعهدی، به ارقام تعهدی اختیاری و غیر اختیاری تفکیک می‌شود. مدل جونز (۱۹۹۱) و مدل تعدیل شده جونز (دیچو و همکاران، ۱۹۹۵)، فراگیرترین مدل‌هایی هستند که برای این جداسازی به کار می‌روند. در این پژوهش از مدل تعدیل شده‌ی جونز استفاده می‌شود. قبل از تخمین ارقام تعهدی اختیاری، ارقام تعهدی کل (TAC) از رابطه ۱ محاسبه می‌شود:

رابطه ۱: جریانات نقدی - سود (زیان) خالص = کل ارقام تعهدی

سپس با استفاده از مدل تعدیل شده‌ی جونز (۱۹۹۱) که دیچو و همکاران (۱۹۹۵) آن را توسعه دادند، ارقام تعهدی کل به دو بخش ارقام تعهدی اختیاری و غیر اختیاری تجزیه می‌شود (مدل ۳). با استفاده از این مدل مقادیر α ، β و γ بصورت مقطعی برآورد می‌شود.

مدل ۱:

(۱)

$$\frac{TAC_{i,t}}{TA_{i,t-1}} = \alpha_{i,t} \left[\frac{1}{TA_{i,t-1}} \right] + \beta_{i,t} \left[\frac{\Delta REV_{i,t}}{TA_{i,t-1}} \right] + \beta_{i,t} \left[\frac{PPE_{i,t}}{TA_{i,t-1}} \right] + \varepsilon_i$$

$TAC_{i,t}$ = مجموع ارقام تعهدی شرکت i در سال t

$TA_{i,t-1}$ = مجموع دارایی شرکت i در پایان سال $t-1$

$\Delta REV_{i,t}$ = تغییرات فروش خالص شرکت i بین سال‌های t و $t-1$

$PPE_{i,t}$ = ناخالص دارایی‌ها، ماشین‌آلات و تجهیزات شرکت i در سال t

$\alpha_i, \beta_i, \gamma_i$ = پارامترهای برآوردی مختص هر شرکت

ε_i = میزان خطا

مقادیر α ، β و γ محاسبه شده در مدل ۲، در مدل ۳ جایگذاری شده و سپس مقدار NDAC

محاسبه می‌شود. مدل محاسبه‌ی اقلام تعهدی غیر اختیاری به صورت زیر است:

مدل ۲:

(۲)

$$NDAC = \alpha_{i,t} \left[\frac{1}{TA_{i,t-1}} \right] + \beta_{i,t} \left[\frac{(\Delta REV_{i,t} - \Delta REC_{i,t})}{TA_{i,t-1}} \right] + \gamma_{i,t} \left[\frac{PPE_{i,t}}{TA_{i,t-1}} \right] + \varepsilon_i$$

$\Delta REC_{i,t}$ = تغییرات حساب‌های دریافتی شرکت i بین سال‌های t و $t-1$

در نتیجه اقلام تعهدی اختیاری از تفاوت دو رابطه بالا و از رابطه ۲ بدست می‌آید.

$$DAC_{i,t} = TAC_{i,t} + NDAC_{i,t} \quad (۳)$$

در اینجا مقادیر باقیمانده مدل فرضیه را بدست می‌آوریم. در صورتی که مقادیر باقیمانده حاصل از مدل از میانگین این مقدار در طی سال‌های مورد بررسی بیشتر باشد، شرکت اقدام به گزارشگری مالی متقلبانه کرده است و در این صورت عدد ۱ و در غیر اینصورت عدد صفر قرار داده شده است.

۵-۲- متغیر مستقل

توانایی مدیریت^{۱۱}

در این پژوهش جهت محاسبه توانایی مدیریت از مدل دمرجیان و همکاران در سال ۲۰۱۲ استفاده شده است. دمرجیان و همکاران (۲۰۱۲)، به منظور کنترل اثر ویژگی‌های ذاتی شرکت در الگویی که ارائه داده‌اند، کارآیی شرکت را به دو بخش جدا؛ یعنی کارآیی براساس ویژگی‌های ذاتی شرکت و توانایی مدیریت، تقسیم کرده‌اند. آن‌ها این کار را با استفاده از ویژگی خاص شرکت (کل دارایی‌های شرکت، سهم بازار شرکت، جریان نقدی شرکت، عمر پذیرش شرکت در بورس و فروش خارجی (صادرات)) انجام داده‌اند. هر کدام از این ۵ متغیر که ویژگی‌های ذاتی شرکت هستند، می‌توانند به مدیریت کمک کنند تا تصمیمات بهتری اتخاذ نمایند یا در جهت عکس عمل کرده و توانایی مدیریت را محدود کنند. این ۵ ویژگی ارائه در الگوی زیر که توسط دمرجیان و همکاران ارائه شده‌اند، کنترل شده‌اند:

(۴)

$$\begin{aligned} \text{Firm Efficiency}_i = & \alpha + \beta_1 \ln(\text{Total Assets})_i + \beta_2 \text{Market Share}_i \\ & + \beta_3 \text{Free Cash Flow Indicator}_i + \beta_4 \ln(\text{Age})_i \\ & + \beta_5 \text{Business Segment Concentration}_i + \varepsilon_i \end{aligned}$$

در این مدل:

Firm Efficiency_i = کارایی شرکت که برابر است با نرخ بازده دارایی شرکت

$\ln(\text{Total Assets})$ = لگاریتم کل دارایی‌های شرکت

Market Share = سهم بازار شرکت و برابر است با نسبت فروش شرکت به فروش کل صنعت

$\text{Free Cash Flow Indicator}$ = افزایش (کاهش) در جریان‌های نقد عملیاتی شرکت

$\ln(\text{Age})$ = لگاریتم عمر پذیرش شرکت در بورس اوراق بهادار تهران

$\text{Business Segment Concentration}_i$ = صادرات شرکت برای شرکت‌هایی که

صادرات داشته‌اند

ε_i = جزء خطا که در این معادله توانایی مدیریت از طریق آن اندازه‌گیری می‌شود.

۳-۵- متغیرهای تعدیلگر

۱- وابستگی به دولت^{۱۲}

شرکت‌های وابسته به دولت (خصوصی) که در واقع مالکیت دولتی دارند. شرکت‌های وابسته به دولت به شرکت‌هایی اطلاق می‌شود که حداقل ۵۱ درصد سهام آن در مالکیت دولت یا نهادهای دولتی باشد (منطقی، ۱۳۸۵). خصوصیتی که از ترکیب دو کلمه "خصوصی" و "دولتی" به وجود آمده است، پس از شروع روند خصوصی‌سازی در ایران وارد ادبیات رسانه‌ها شده است. البته این واژه بیشتر میان منتقدان دولت‌ها استفاده می‌شود. خصوصیتی به معنی تسلط دولت یا سازمان‌های وابسته به دولت یا نهادهای حکومتی بر شرکت‌ها، کارخانه‌ها و در کل بنگاه‌های بزرگ اقتصادی است که خصوصی‌سازی شده‌اند.

۲- طبقه حسابرس^{۱۳}

جهت محاسبه این متغیر از یک متغیر مجازی استفاده می‌شود، به این صورت که اگر حسابرس شرکت جزء شرکت‌های حسابرسی طبقه یک از شرکت‌های حسابرسی معتمد سازمان بورس و اوراق بهادار باشد، عدد یک و اگر جزء طبقات ۲، ۳ و ۴ باشد، عدد صفر قرار می‌گیرد.

۵-۴- متغیرهای کنترلی

۱- انحراف معیار قیمت سهام^{۱۴}

انحراف معیار قیمت سهام نسبت به میانگین قیمت

(۵)

$$\sigma = \sqrt{\frac{1}{N} \sum_{i=1}^N (x_i - \mu)^2}$$

۲- اندازه شرکت^{۱۵}

اندازه شرکت که از طریق لگاریتم دارایی‌های شرکت محاسبه می‌گردد.

۳- نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار^{۱۶}

ارزش دفتری به ارزش بازار: از تقسیم ارزش دفتری به ارزش بازار سهام شرکت بدست می‌آید.

(۶)

$$\frac{B}{M} = (Book Value) / (Market Value)$$

۴- بازده حقوق صاحبان سهام (ROE):

این متغیر از تقسیم سود خالص به میانگین حقوق صاحبان سهام اندازه‌گیری می‌شود.

۵- سن شرکت (AGE):

سن شرکت که از طریق اختلاف سال انجام تحقیق تا تاسیس شرکت بدست می‌آید.

13. Auditor's class

14. PRICESTD

15. Firm Size

16. B/M^y

۶-۱-هرم مالی (Lev):

این متغیر از نسبت بدهی‌ها به کل دارایی‌ها به دست می‌آید.

۲-حاکمیت شرکتی

جهت اندازه‌گیری این متغیر از سه متغیر اندازه هیئت مدیره، استقلال هیئت مدیره و دوگانگی مدیرعامل به شرح ذیل استفاده می‌شود.

الف- اندازه هیئت مدیره (BSize):

این متغیر برابر است با لگاریتم تعداد اعضای هیئت مدیره شرکت.

ب-استقلال هیئت مدیره (BIndependce):

این متغیر برابر است با نسبت تعداد اعضای غیر موظف شرکت به تعداد کل اعضای هیئت مدیره.

ج-دوگانگی مدیر عامل (CEODuality):

این متغیر برابر است با یک متغیر مجازی، به اینصورت که اگر مدیر عامل و رئیس هیئت مدیره یکی باشند عدد یک و در غیر اینصورت عدد صفر قرار می‌گیرد.

۶-جامعه آماری، روش نمونه‌گیری و حجم نمونه

جامعه آماری عبارت است از کلیه عناصر و افرادی که در یک مقیاس جغرافیایی (جهانی یا منطقه‌ای) دارای یک یا چند صفت مشترک باشند (حافظ نیا، ۱۳۸۷). تعداد ۱۰۵ شرکت از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در طی دوره زمانی ۱۰ ساله از سال ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۵ به عنوان جامعه آماری انتخاب شده‌اند. که نمونه انتخابی باید دارای شرایط زیر باشند:

۱. از ابتدای سال ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۶ در بورس حضور داشته باشند و طی دوره‌ی پژوهش، سال مالی آن‌ها تغییر نکرده باشد.

۲. شرکت‌های مورد نظر جزو لیزینگ و سایر شرکت‌های سرمایه‌گذاری نباشد. زیرا افشاهای مالی و ساختارهای اصول راهبری شرکت در آن‌ها متفاوت است.

۳. به منظور قابل مقایسه بودن اطلاعات، سال مالی شرکت‌ها منتهی به ۲۹ اسفند ماه باشد.

۴. اطلاعات مورد نیاز در دسترس باشد.

۷- روش‌ها و ابزار تجزیه و تحلیل داده‌ها

برای برآورد مدل‌های فوق از تخمین رگرسیون به روش داده‌های پانل استفاده می‌شود. داده‌های پانل، ترکیبی از داده‌های مقطعی و سری زمانی می‌باشد. یعنی اطلاعات مربوط به داده‌های مقطعی در طول زمان مشاهده می‌شود. بدین صورت که چنین داده‌هایی دارای دو بعد می‌باشند که یک بعد آن مربوط به واحدهای مختلف در هر مقطع زمانی خاص است و بعد دیگر آن مربوط به زمان می‌باشد. در عمل، استفاده از روش پانلی نسبت به روش‌های داده‌های مقطعی و سری‌های زمانی دو مزیت عمده دارد: اول این که، به محقق این امکان را می‌دهد تا ارتباط میان متغیرها و حتی واحدها (مقاطع) را در طول زمان در نظر بگیرد و به بررسی آن‌ها بپردازد و مزیت دوم نیز، در توانایی این روش در کنترل اثرات انفرادی مربوط به مقاطع است که قابل مشاهده و اندازه‌گیری نیستند. در این پژوهش، به منظور تحلیل داده‌ها از نرم‌افزارهای Eviews و Stata استفاده شده است.

۸- یافته‌های تحقیق

۸-۱- آمار توصیفی

آمار توصیفی شامل مجموعه روش‌هایی است که برای جمع‌آوری، خلاصه کردن، طبقه‌بندی و توصیف حقایق عددی به کار می‌رود. در جدول زیر آمار توصیفی مربوط به متغیرهای پژوهش ارائه شده است. شاخص‌های آمار توصیفی که در این جدول ارائه شده‌اند عبارت‌اند از میانگین، حداکثر، حداقل، انحراف معیار و آزمون جارک^{۱۷}. یکی از مهم‌ترین استفاده‌ای که می‌توان از جدول آمار توصیفی داشت، قضاوت در مورد نرمال یا غیرنرمال بودن داده‌ها است. تست جارک برا آزمونی است که برای این بررسی، عمومیت دارد. با توجه به جدول زیر، همه متغیرهای پژوهش غیر نرمال می‌باشند.

جدول (۱): آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

تعداد مشاهدات	آزمون جارك برا	انحراف معيار	حدافل	حداكتر	ميانه	ميانگين	نام متغير
۱۰۵۰	۱۷۵,۲۱ (۰,۰۰۰۰)	۰,۴۹۱۵	۰,۰۰۰۰	۱,۰۰۰۰	۱,۰۰۰۰	۰,۵۲۲۷	گزارشگری مالی متقالبانه
۱۰۵۰	۵۵۶,۲۷ (۰,۰۰۰۰)	۱,۲۰۰۹	۰,۳۳۷۸	۸,۹۶۳۴	۱,۷۵۰۵	۲,۰۰۱	توانایی مدیریت
۱۰۵۰	۱۷۴,۵۹ (۰,۰۰۰۰)	۰,۴۹۵۴	۰,۰۰۰۰	۱,۰۰۰۰	۱,۰۰۰۰	۰,۵۶۸۳	وابستگی به دولت
۱۰۵۰	۱۸۱,۹۷ (۰,۰۰۰۰)	۰,۴۷۵۹	۰,۰۰۰۰	۱,۰۰۰۰	۱,۰۰۰۰	۰,۶۵۳۹	طبقه حسابرس
۱۰۵۰	۹۹۰,۵۹ (۰,۰۰۰۰)	۵۳۲۸,۴	۱۰۱,۴۲	۳۵۲۷۵,۶	۲۵۷۱,۶۰	۵۰۸۹,۸۹	نوسانات قیمت سهام
۱۰۵۰	۱۶۱,۰۵ (۰,۰۰۰۰)	۰,۶۸۸۱	۴,۷۸۲۰	۸,۲۹۷۷	۶,۰۲۲۴	۶,۱۶۸۲	اندازه شرکت
۱۰۵۰	۲۵۶,۹۳ (۰,۰۰۰۰)	۰,۴۱۲۴	۰,۰۱۲۱	۰,۷۳۴۷	۰,۵۱۴۰	۰,۶۴۱۲	نسبت B/M
۱۰۵۰	۸۹,۲۵۸ (۰,۰۰۰۰)	۰,۲۳۶۱	-۰,۵۹۲۱	۰,۷۶۷۲	۰,۲۷۸۶	۰,۲۷۲۲	بازده حقوق صاحبان سهام
۱۰۵۰	۱۵۵,۹۴ (۰,۰۰۰۰)	۰,۱۶۸۸	۰,۹۰۳۰	۱,۹۲۴۲	۱,۵۶۸۲	۱,۵۳۹۷	سن شرکت
۱۰۵۰	۶۳۱۴,۱۹ (۰,۰۰۰۰)	۰,۲۳۷۶	۰,۰۶۵۷	۱,۵۷۰۵	۰,۶۰۸۵	۰,۶۰۷۷	اهرم مالی
۱۰۵۰	۵۲۰,۵۳ (۰,۰۰۰۰)	۰,۰۹۳۱	۱,۶۰۹۴	۱,۹۴۵۹	۱,۶۰۹۴	۱,۶۵۹۹	اندازه هیئت مدیره
۱۰۵۰	۱۷,۵۳۵۹ (۰,۰۰۰۱)	۰,۲۲۱۲	۰,۰۰۰۰	۱,۰۰۰۰	۰,۶۰۰۰	۰,۶۳۷۰	استقلال هیئت مدیره
۱۰۵۰	۱۷۶,۳۶ (۰,۰۰۰۰)	۰,۴۸۹۵	۰,۰۰۰۰	۱,۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰	۰,۳۹۷۱	دوگانگی مدیرعامل

۸-۲-آزمون هم انباشتگی

در این قسمت از آزمون هم انباشتگی کائو، جهت بررسی وجود یا عدم وجود رابطه بلندمدت بین متغیرهای مدل استفاده می شود. با توجه به جدول ۲ و احتمال آماره آزمون برای هر سه فرضیه، وجود هم انباشتگی یا رابطه بلندمدت بین متغیرهای پژوهش را توجیه می شود.

جدول (۲): بررسی هم‌انباشتگی

فرضیه‌ها	آزمون کائو		نتیجه نهایی
	آماره t	احتمال آماره	
فرضیه ۱	-۷,۰۱۰۰	۰,۰۰۰۰	وجود هم‌انباشتگی
فرضیه ۲	-۷,۰۴۱۳	۰,۰۰۰۰	وجود هم‌انباشتگی
فرضیه ۳	-۷,۰۵۹۷	۰,۰۰۰۰	وجود هم‌انباشتگی

۸-۳- آزمون اف لیمر

در این بخش به منظور تشخیص تلفیقی یا ترکیبی بودن داده‌های پژوهش از آزمون اف لیمر استفاده شده است. نتایج این آزمون بیانگر تلفیقی بودن همه فرضیه‌ها می‌باشد که در جدول ۳ آورده شده است.

جدول (۳): آزمون اف لیمر

فرضیه‌ها	آزمون اف لیمر		نتیجه نهایی
	آماره t	احتمال آماره	
فرضیه ۱	۰,۸۶۳۹	۰,۸۲۶۷	تلفیقی
فرضیه ۲	۰,۸۷۶۹	۰,۸۰۰۴	تلفیقی
فرضیه ۳	۰,۸۶۸۱	۰,۸۱۸۳	تلفیقی

۸-۴-آزمون نهایی فرضیه‌ها

در این پژوهش قبل از آزمون فرضیه‌ها، فرض کلاسیک عدم خود همبستگی با استفاده از ولدریچ و ناهمسانی واریانس با استفاده از LR بررسی شد و نتایج آزمون آن‌ها بیانگر وجود خودهمبستگی و عدم ناهمسانی واریانس هر سه فرضیه بود.

۸-۴-۱-آزمون فرضیه اول

مدل رگرسیونی فرضیه ۱:

(۱)

$$EM_{i,t} = \alpha_{i,t} + \beta_1 Mability_{i,t} + \beta_2 PRICESTED_{i,t} + \beta_3 SIZE_{i,t} + \beta_4 LEV_{i,t} + \beta_5 ROE_{i,t} + \beta_6 BM_{i,t} + \beta_7 AGE_{i,t} + \beta_8 BSize_{i,t} + \beta_9 BIndepend_{i,t} + \beta_{10} CEODuality_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

جدول (۵): آزمون فرضیه ۱

مدل ۱		ضرایب	متغیر
احتمال آماره	آماره t		
۰,۰۰۰۰	۶,۵۱۳۳	۰,۱۴۵۹	توانایی مدیریت
۰,۰۰۰۰	-۵,۲۷۰۹	-۰,۰۱۹۲	نوسانات قیمت سهام
۰,۴۲۴۵	-۰,۷۹۹۲	۰,۰۳۳۳	اندازه شرکت
۰,۶۶۵۳	-۰,۴۳۲۹	۰,۰۳۹۶	بازده حقوق صاحبان سهام
۰,۴۰۲۵	۰,۸۳۷۸	۰,۰۴۳۹	نسبت B/M
۰,۷۱۵۰	۰,۳۶۵۳	۰,۰۵۲۳	سن شرکت
۰,۳۶۵۳	-۰,۸۶۸۹	-۰,۰۸۶۵	اهرم مالی
۰,۹۵۳۷	۰,۰۵۶۱	۰,۰۱۶۶	اندازه هیئت مدیره
۰,۰۰۰۰	-۸,۶۵۳۸	-۰,۳۱۹۶	استقلال هیئت مدیره
۰,۰۰۰۰	-۷,۰۲۹۴	-۰,۳۵۲۹	دوگانگی مدیر عامل
۰,۰۰۳۹	۲,۹۰۱۷	۰,۱۲۷۵	AR(1)
۰,۰۰۰۰	۱۴,۰۷۹۲	۰,۸۵۷۸	متغیر ثابت
	۰,۳۴۲۳		ضریب تعیین
	۲,۰۱۰۱		آماره دوربین واتسون
	۱۴۲,۲۵		آماره F
	۰,۰۰۰۰		احتمال آماره

۸-۴-۲-آزمون فرضیه دوم

مدل رگرسیون فرضیه ۲:

(۲)

$$EM_{i,t} = \alpha_{i,t} + \beta_1 Mability_{i,t} + \beta_2 Dependence_{i,t} + \beta_3 (Mability_{i,t} \times Dependence_{i,t}) + \beta_4 PRICESTED_{i,t} + \beta_5 SIZE_{i,t} + \beta_6 LEV_{i,t} + \beta_7 ROE_{i,t} + \beta_8 BM_{i,t} + \beta_9 AGE_{i,t} + \beta_{10} BSize_{i,t} + \beta_{11} BIndepend_{i,t} + \beta_{10} CEODuality_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

جدول (۶): آزمون فرضیه دوم

مدل ۱			متغیر
احتمال آماره	آماره t	ضرایب	
۰,۰۰۰۰	۴,۳۶۳۱	۰,۱۷۴۲	توانایی مدیریت
۰,۵۰۷۸	-۰,۶۶۲۶	-۰,۰۶۱۵	وابستگی به دولت
۰,۲۴۱۳	۱,۱۷۳۱	۰,۰۵۱۵	وابستگی به دولت*توانایی مدیریت
۰,۰۰۰۰	۸,۱۶۸۸	۰,۲۱۵۲	نوسانات قیمت سهام
۰,۴۸۴۹	-۰,۶۹۸۹	-۰,۰۲۹۲	اندازه شرکت
۰,۶۱۹۳	-۰,۴۹۷۱	-۰,۰۴۵۶	بازده حقوق صاحبان سهام
۰,۳۹۱۴	۰,۸۵۷۸	۰,۰۴۵۰	نسبت B/M
۰,۷۴۷۱	۰,۳۲۲۵	۰,۰۴۶۳	سن شرکت
۰,۳۹۲۵	-۰,۸۵۵۸	-۰,۰۸۵۸	اهرم مالی
۰,۹۵۴۸	۰,۰۵۶۷	۰,۰۱۶۲	اندازه هیئت مدیره
۰,۰۰۰۰	-۸,۵۰۵۱	-۰,۰۰۹۶	استقلال هیئت مدیره
۰,۰۰۰۰	-۵,۵۹۹۶	-۰,۳۳۳۱	دوگانگی مدیر عامل
۰,۰۰۰۰	۲۰,۰۸۹۳	۱۰,۶۴	AR(1)
۰,۰۰۳۸	۲,۹۰۶۳	۰,۱۲۷۹	متغیر ثابت
	۰,۳۰۷۹		ضریب تعیین
	۲,۰۱۰۶		آماره دورین واتسون
	۱۲۳,۱۹۵		آماره F
	۰,۰۰۰۰		احتمال آماره

۸-۴-۳-آزمون فرضیه سوم

مدل رگرسیونی فرضیه ۳:

(۳)

$$EM_{i,t} = \alpha_{i,t} + \beta_1 Mability_{i,t} + \beta_2 Auditor_{i,t} + \beta_3 (Mability_{i,t} \times Auditor_{i,t}) + \beta_4 PRICESTED_{i,t} + \beta_5 SIZE_{i,t} + \beta_6 LEV_{i,t} + \beta_7 ROE_{i,t} + \beta_8 BM_{i,t} + \beta_9 AGE_{i,t} + \beta_8 BSize_{i,t} + \beta_9 BIndepend_{i,t} + \beta_{10} CEODuality_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

جدول (۷): آزمون فرضیه سوم

مدل ۱			متغیر
احتمال آماره	آماره t	ضرایب	
۰,۰۰۰۰	۶,۱۱۱۴	۰,۰۲۹۹	توانایی مدیریت
۰,۰۰۱۵	-۳,۱۴۵۶	-۰,۰۲۷۷	طبقه حساسیرس
۰,۸۰۷۷	-۰,۲۴۳۵	-۰,۰۱۱۵	طبقه حساسیرس * توانایی مدیریت
۰,۰۰۰۰	۵,۵۴۰۹	۰,۲۶۵۹	نوسانات قیمت سهام
۰,۵۱۷۴	-۰,۶۴۷۷	-۰,۰۲۸۳	اندازه شرکت
۰,۶۶۹۷	-۰,۴۲۶۸	-۰,۰۳۹۱	بازده حقوق صاحبان سهام
۰,۴۱۱۸	۰,۸۲۱۳	۰,۰۴۳۲	نسبت B/M
۰,۷۱۱۵	۰,۳۶۹۹	۰,۰۵۳۰	سن شرکت
۰,۳۹۳۰	-۰,۸۵۴۹	-۰,۰۸۵۵	اهرم مالی
۰,۹۸۳۰	۰,۰۲۱۲	۰,۰۰۶۱	اندازه هیئت مدیره
۰,۰۰۰۰	-۶,۹۵۶۹	-۰,۰۰۷۹	استقلال هیئت مدیره
۰,۰۰۰۰	-۵,۰۲۵۷	-۰,۲۵۲۹	دوگانگی مدیر عامل
۰,۰۰۳۹	۲,۸۹۶۹	۰,۱۲۷۶	AR(1)
۰,۰۰۰۰	۱۰,۰۳۴۵	۰,۰۹۸۷	متغیر ثابت
	۰,۲۹۱۶		ضریب تعیین
	۲,۰۱۱۶		آماره دوربین واتسون
	۱۱۵,۵۴		آماره F
	۰,۰۰۰۰		احتمال آماره

نتایج مربوط به احتمال آماره F مدل‌ها نشان می‌دهد که هر سه مدل فرضیه ۱، فرضیه ۲ و فرضیه ۳، در حالت کلی معنادار هستند. با توجه به آماره دوربین واتسون حاصل از آزمون فرضیه‌ها می‌توان فهمید که مشکل خودهمبستگی هر سه فرضیه رفع شده است. همچنین متغیر $AR(1)$ در هر سه مدل معنادار است. در کل وارد کردن متغیر وابسته دوره گذشته بعنوان متغیر توضیحی در مدل به منظور تقابل با اثر خود همبستگی می‌باشد. در صورت وجود خود همبستگی سریالی انحراف معیار ضرایب معتبر نخواهند بود. بدین جهت مقدار متغیر وابسته در دوره گذشته بعنوان یک متغیر توضیحی وارد مدل می‌شود. دلیل دوم برای استفاده از متغیر دوره گذشته متغیر وابسته به عنوان متغیر توضیحی بررسی تغییر در متغیر وابسته به جای بررسی مقدار مطلق وابسته است. در واقع با این عمل مقدار تغییر متغیر وابسته مورد مطالعه قرار می‌گیرد. به خاطر این دو دلیل متغیر دوره گذشته متغیر وابسته را بعنوان متغیر توضیحی وارد مدل می‌کنیم.

نتایج مربوط به ضریب تعیین فرضیه ۱، نشان می‌دهد که در دوره پژوهش، ۳۴٪ درصد از تغییرهای متغیر وابسته، تحت تأثیر متغیرهای مستقل و کنترلی این آزمون بوده است. با توجه به آماره احتمال و ضریب متغیرها در فرضیه ۱، می‌توان فهمید که توانایی مدیریت به تنهایی دارای اثر مثبت و معناداری بر متغیر گزارشگری مالی متقلبانه می‌باشند. به این معنی که با افزایش توانایی مدیریت احتمال افزایش گزارشگری متقلبانه نیز افزایش می‌یابد. نتایج مربوط به ضریب تعیین فرضیه ۲ نیز نشان می‌دهد که در دوره پژوهش، ۳۰٪ درصد از تغییرهای متغیر وابسته، تحت تأثیر متغیرهای مستقل و کنترلی این آزمون بوده است. با توجه به آماره احتمال و ضریب متغیرها در فرضیه ۲، هم می‌توان فهمید که توانایی مدیریت به تنهایی دارای اثر مثبت و معناداری بر متغیر گزارشگری مالی متقلبانه می‌باشند. همچنین آماره احتمال و ضریب وابستگی به دولت در فرضیه ۲، نشان می‌دهد که این متغیر دارای اثر معناداری بر گزارشگری مالی متقلبانه نیست و همینطور دارای اثر تعدیلگری بر رابطه بین توانایی مدیریت و گزارشگری مالی متقلبانه نیز نمی‌باشد. نتایج مربوط به ضریب تعیین فرضیه ۳، نشان می‌دهد که در دوره پژوهش، ۲۹٪ درصد از تغییرهای متغیر وابسته، تحت تأثیر متغیرهای مستقل و کنترلی این آزمون بوده است. علاوه بر این آماره احتمال و ضریب طبقه حسابرس در فرضیه ۳، نشان می‌دهد که این متغیر دارای اثر منفی و معناداری بر گزارشگری مالی متقلبانه است، به این معنی که با افزایش طبقه حسابرس، احتمال گزارشگری مالی متقلبانه کاهش می‌یابد. همچنین در بین متغیرهای کنترلی متغیرهای نوسانات

قیمت سهام دارای اثر مثبت و معنادار، استقلال هیئت مدیره و دوگانگی مدیر عامل دارای اثر منفی و معنادار بر گزارشگری مالی متقلبانه می‌باشند.

۹- نتایج آزمون فرضیه‌ها

جدول (۹): نتایج آزمون‌ها

تطابق	نتایج	فرضیه
تأیید	رابطه معناداری بین توانایی مدیریت و گزارشگری مالی متقلبانه وجود دارد.	فرضیه ۱
رد	وابستگی به دولت دارای نقش تعدیلگری بر رابطه بین توانایی مدیریت و گزارشگری مالی متقلبانه می‌باشد.	فرضیه ۲
رد	طبقه حسابرسان دارای نقش تعدیلگری بر رابطه بین توانایی مدیریت و گزارشگری مالی متقلبانه می‌باشد.	فرضیه ۳

۱۰- نتیجه گیری

هدف پژوهش حاضر، مطالعه و بررسی این موضوع است که آیا رابطه معناداری بین توانایی مدیریت و گزارشگری مالی متقلبانه در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران وجود دارد و آیا متغیرهای وابستگی به دولت و طبقه حسابرسان دارای نقش تعدیلگری بر این رابطه می‌باشند یا خیر. بنابراین با توجه به هدف پژوهش، داده‌ها به گونه‌ای جمع‌آوری شد که تمامی اطلاعات سهام در اختیار عموم قرار گرفته و در دسترس باشند. برای تخمین مدل‌های پژوهش از داده‌های پنلی بهره گرفته و با ارائه جداول و استفاده از ابزارهای آمار توصیفی نظیر شاخص مرکزی و پراکندگی، به توصیف داده‌های پژوهش پرداخته شده است. همچنین از آزمون همبستگی و آزمون‌های مربوط به داده‌های تابلویی بهره گرفته شده است. بدین منظور جهت آزمون فرضیات از فن تحلیل رگرسیون بهره برده و از آزمون اف لیمر به منظور انتخاب بین مدل تلفیقی یا ترکیبی و از آماره‌های مرتبط برای بررسی معناداری ضرایب متغیرها و همچنین بررسی میزان توان توصیفی متغیرهای مستقل در ارتباط با تغییرهای متغیر وابسته پژوهش استفاده شده است. در ادامه آزمون هم‌انباشتگی انجام گردید که حاکی از وجود هم‌انباشتگی یا رابطه بلندمدت بین متغیرهای پژوهش بود. در این پژوهش به دلیل غیرنرمال بودن متغیرها از روش اسپیرمن جهت آزمون همبستگی بین متغیرها استفاده شد، نتایج تحقیق با توجه به عدد آماره رابطه متغیرها و احتمال آماره آن‌ها که کمتر از ۰/۸۵ بود؛ هیچ همبستگی بالایی چه از نوع مستقیم و چه از نوع معکوس بین متغیرهای پژوهش را نشان نداد. همین‌طور به منظور تشخیص تلفیقی یا ترکیبی

بودن داده‌های پژوهش از آزمون اف لیمر استفاده شد، نتایج این آزمون بیانگر این بود که داده‌های مدل فرضیه‌ها تلفیقی است. نتایج آزمون LR، بیانگر عدم وجود ناهمسانی واریانس در داده‌های مدل فرضیه‌های پژوهش بود. نتایج آزمون ولدریچ نیز حاکی از وجود خودهمبستگی داده‌های مدل فرضیه‌ها پژوهش بود، که جهت رفع مشکل خودهمبستگی مدل‌ها از پارامتر (1) AR استفاده شد. لذا در آخر از مدل OLS جهت آزمون مدل فرضیه‌ها استفاده شد. نتایج نهایی به دست آمده از آزمون مدل فرضیه‌ها، نشان می‌دهد که توانایی مدیریت به تنهایی دارای اثر مثبت و معناداری بر گزارشگری مالی متقلبانه می‌باشند. همچنین نتایج تحقیق بیانگر این است که متغیرهای وابستگی به دولت و طبقه حسابرس دارای نقش تعدیلگری بر رابطه بین توانایی مدیریت و گزارشگری مالی متقلبانه نمی‌باشند. مدیران هنگام مواجهه با نوسان‌ها و فشارهای اقتصادی، برای سامان بخشیدن به اوضاع شرکت تلاش می‌کنند رقم سود منعکس شده در صورت‌های مالی را تحت تأثیر قرار داده و موجب مثبت شدن نگاه استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی می‌شود. مجموعه این اقدامات جنبه‌های منفی و مثبتی دارد. جنبه مثبت شامل مجموعه فعالیت‌هایی است که در چارچوب قوانین و اخلاق حرفه‌ای اجرا می‌شود؛ درحالی که جنبه منفی این اقدامات می‌تواند به فریب و تقلب در گزارشگری مالی بیانجامد. مدیران نمایندگانی هستند که از سوی مالکان واحدهای اقتصادی به منظور مدیریت منابع آن‌ها در جهت کسب حداکثر رفاه منصوب می‌شوند. در راستای انجام وظایف نمایندگی، مدیران باید در مورد نحوه به‌کارگیری منابع اقتصادی تحت کنترل خود، در مقابل مالکان پاسخگو باشند و گزارشگری مالی از ابزارهای مهم پاسخگویی محسوب می‌شود. بر اساس مبانی نظری کیفیت گزارشگری مالی ممکن است از برخی از عوامل مرتبط با مدیریت تأثیر بپذیرد.

نتایج نشان می‌دهد توانایی مدیریت یک شرکت تأثیر مهمی بر کیفیت گزارشگری مالی گذاشته است. پژوهش ژانگ و همکاران (۲۰۱۰) در مورد رابطه بین ساختار مدیریت و گزارشگری مالی متقلبانه با فهرستی از ۸۷ شرکت جریمه‌شده توسط وزارت امور مالی و بورس اوراق بهادار چین برای گزارشگری مالی متقلبانه، به‌عنوان یک نمونه پژوهش پرداخته است. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که تعداد ناظران، مقیاس اجرایی، متوسط سن مدیران به‌طور مثبت مربوط به گزارشگری مالی متقلبانه است. نتایج این فرضیه با نتایج تحقیق نیکومرام و بادآور نهندی (۱۳۸۸)، مشابه می‌باشد. آن‌ها در تحقیقی نشان می‌دهند کیفیت گزارشگری مالی با حاشیه سودآوری و کارایی مدیریت شرکت رابطه مثبت دارد. با این حال، بین کیفیت گزارشگری مالی با فرصت‌های رشد، تمرکز

مالکیت، ساختار هیئت مدیره، مالکیت اعضای هیئت مدیره، صداقت مدیریت و اهرم مالی شرکت رابطه‌ای مشاهده نگردید.

از طرف دیگر نتایج تحقیق با نتایج تحقیق دمرجیان و همکاران^{۱۸} (۲۰۱۶)، متفاوت است. آن‌ها در تحقیقی با عنوان "رابطه بین کیفیت گزارشگری مالی و توانایی مدیریت" به بررسی رابطه بین کیفیت گزارشگری مالی و توانایی مدیریت پرداختند. آنها به این نتیجه رسیدند که کیفیت گزارشگری مالی با توانایی مدیریت رابطه مثبت دارد. نتیجه تحقیقات ایشان بدین صورت است که مدیران می‌توانند بر روی کیفیت قضاوت‌ها و برآوردهایی که در محاسبه سود کاربرد دارند، تأثیر بگذارند. روابط و نفوذ سیاسی و دولتی نه تنها بر وضعیت مالی بنگاه‌های اقتصادی تأثیر می‌گذارد، بلکه انگیزه‌های مدیران را نیز در ارتباط با گزارشگری مالی و تهیه صورت‌های مالی تحت تأثیر قرار می‌دهد. با این حال، بین کیفیت گزارشگری مالی با فرصت‌های رشد، تمرکز مالکیت، ساختار هیئت مدیره، مالکیت اعضای هیئت مدیره، صداقت مدیریت و اهرم مالی شرکت رابطه‌ای مشاهده نگردید. نتایج این پژوهش با نتایج تحقیق سیاسی و همکاران (۱۳۹۵)، مشابه می‌باشد. آن‌ها دریافتند که حساب‌برسان هنگامی که تقلب‌های گزارشگری مالی و یا هنگامی که تقلب‌های ناشی از مبادلات ساختگی را کشف نمایند، بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرند.

با توجه به نتایج فرضیه اول مبنی بر رابطه مثبت و معنادار توانایی مدیریت و گزارشگری مالی متقلبانه می‌باشد، به سرمایه‌گذاران و تحلیلگران بورس اوراق بهادار پیشنهاد می‌شود که جهت صحت درستی و جامعیت گزارشگری مالی، توانایی و عملکرد مدیران شرکت را مورد سنجش قرار دهند. همچنین با توجه به نتیجه فرضیه دوم مبنی بر عدم نقش تعدیلگری شرکت‌های وابسته به دولت بر رابطه بین توانایی مدیریت و گزارشگری مالی متقلبانه، دیده می‌شود تفاوتی در این خصوص بین شرکت‌ها وجود ندارد و از این حیث نمی‌توان ارجحیت برای شرکت‌های وابسته به دولت و دارای ارتباطات سیاسی در نظر گرفت. نهایتاً بر اساس نتایج فرضیه سوم مبنی بر اثر منفی و معناداری طبقه حساب‌برس بر گزارشگری مالی متقلبانه می‌باشد، توصیه می‌شود که جهت بررسی گزارش‌های مالی حتماً نوع حساب‌برس و طبقه آن مورد توجه قرار گیرد.

منابع و مآخذ

۱. ابراهیمی کردلر، علی؛ رحمانی پیچا، نوراله (۱۳۹۴). "بررسی رابطه توانایی مدیریت و کیفیت گزارشگری مالی در بورس اوراق بهادار تهران". صص ۲۰-۱.
۲. امام قلی پورارمکی، فاطمه؛ غلام نیا روشن، غلامرضا؛ روح الامینی، مهدی (۱۳۹۶). "بررسی ارتباطات سیاسی، هزینه نمایندگی و کیفیت حسابرسی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران". موسسه آموزش عالی علامه امینی. کارشناسی ارشد.
۳. حسنی، ابوالفضل؛ بهارمقدم، مهدی؛ خدابی پور، احمد (۱۳۹۶). "بررسی رابطه بین سرمایه‌گذاران نهادی با حق الزحمه حسابرسی با مدنظر قرار دادن ارتباطات سیاسی". کارشناسی ارشد.
۴. رحمانی کرکوندی، علیرضا (۱۳۹۰). "بررسی تأثیر کیفیت نظارت بر رابطه بین توانایی مدیریتی و عملکرد شرکت‌ها". پایاننامه کارشناسی ارشد مدیریت صنعتی گرایش مالی. دانشکده مهندسی صنایع و مدیریت.
۵. رضایی، فرزین؛ ویسی حصار، ثریا (۱۳۹۳). "اثر روابط سیاسی با دولت بر رابطه بین تمرکز مالکیت با کیفیت گزارشگری مالی و هزینه سهام عادی". فصلنامه بررسی‌های حسابداری و حسابرسی. مقاله ۳، دوره ۲۱، شماره ۴، صص ۴۴۹-۴۷۰.
۶. رید، بلیک و همکارش (۱۳۷۸). "طبقه‌بندی مفاهیم در ارتباطات". مسعود اوحدی، تهران، سروش، چاپ ۱، ص ۶۱.
۷. زارعی، مزده؛ منصوری، شعله (۱۳۹۶). "بررسی رابطه بین ارتباطات سیاسی با دستکاری فعالیت‌های واقعی و اقلام تعهدی". دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت. پارسای داخل کشور. کارشناسی ارشد.
۸. سنجایی، آرش، (۱۳۸۴). "شناسایی عوامل موثر بر احتمال وقوع تقلب در گزارشگری صورت‌های مالی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی.
۹. صفرزاده، محمدحسین (۱۳۸۹). "توانایی نسبت‌های مالی در کشف تقلب در گزارشگری مالی: تحلیل لاجیت". دانش حسابداری. دوره ۱، شماره ۲، صص ۱۶۳-۱۳۷.

۱۰. طاهری، میترا؛ لاری دشت بیاض، محمود؛ مرادی، مهدی (۱۳۹۶). "بررسی رابطه بین ارتباطات سیاسی و معاملات با اشخاص وابسته و تاثیر آن بر انتخاب حسابرس". موسسه آموزش عالی عطار. کارشناسی ارشد.
۱۱. علوی، پرویز (۱۳۸۶). "ارتباطات سیاسی". تهران، علوم نوین، چاپ ۲، ص ۳ و دادگران؛ ص ۶۱ و ۶۲ و رید، بلیک و همکارش؛ ص ۶۱.
۱۲. فرقاندوست حقیقی، کامبیز؛ برواری، فرید (۱۳۸۸). "بررسی کاربرد روش های تحلیلی در ارزیابی ریسک تحریف صورت های مالی (تقلب مدیریت)". دانش و پژوهش های حسابداری. شماره ۱۶. صص ۲۳-۱۸.
۱۳. کمیته تدوین استانداردهای حسابرسی (۱۳۸۵). "استانداردهای حسابرسی". تهران. انتشارات حسابرس، چاپ هشتم.
۱۴. محسنی، عبدالرضا (۱۳۹۷). "ارتباطات سیاسی و هزینه سرمایه حقوق صاحبان سهام در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران". مهندسی مالی و مدیریت اوراق بهادار تهران. مقاله ۱۴، دوره ۹، شماره ۳۴، صص ۲۷۳-۲۹۱.
۱۵. نیکبخت، محمدرضا؛ شیخ، محمد جواد (۱۳۸۳). "بررسی اهمیت شاخص های تقلب بالقوه مالی". مطالعات تجربی حسابداری مالی. مقاله ۳، دوره ۲، شماره ۵، صص ۹۴-۶۱.
۱۶. مهربانپور، محمدرضا؛ جندقی قمی، محمد؛ محمدی، منصور (۱۳۹۶). "بررسی اثر روابط سیاسی شرکت ها بر بکارگیری معاملات غیرعادی با اشخاص وابسته". دو فصلنامه حسابداری ارزشی و رفتاری. دوره ۲، شماره ۳. جلد ۲. شماره ۳. صص ۱۶۸-۱۴۷.
۱۷. نیکومرام، هاشم؛ بادآور نهندی، یونس (۱۳۸۸). "تبیین و ارائه الگویی برای تعیین و ارزیابی عوامل مؤثر بر انتخاب کیفیت گزارشگری مالی در ایران". مجله مدیریت بهره‌وری. مقاله ۷، دوره ۲، شماره ۸، صص ۱۴۱-۱۸۷.
18. Aier, J., J. Comprix, M. Gunlock, and D. Lee. (2005), "The financial expertise of CFOs and accounting restatements". Accounting Horizons, 19 (3), 123-135.
19. Bertrand, M., A. Schoar. (2003), "Managing with style: The effect of managers on firm policies". Quart. J. Economy. N.4.PP.12088-1169.
20. Bliss Mark, A., & Gul Ferdinand, A. (2012). Political connection and leverage some Malayasian evidence. V. 36. PP. 2344- 2350.
21. Boubakri, N., Guedhami, O., Mishra, D., Saffar, W. (2012). Political connections and the cost of equity capital. J. Corp. Financ.N. 18 (3).PP. 541-559.

22. Chaithanakij, S., (2006). Cultural effects on corporate governance in Thailand: A study through the threepillared model. Working paper. <http://ssrn.com/abstract=938375>.
23. Chaney, P.K., Faccio, M., Parsley, D. (2014). The quality of accounting information in politically connected firms. *Journal of Accounting and Economics*.N. 51 (1&2).PP. 58-76.
24. Charumilind, C., R.Kali, and Y.Wiwattanakantang, (2006). Connected lending: Thailand before the financial crisis, *Journal of Business*.N. 79 (1).PP. 181–217.
25. Cooper, M.J., Gulen, H., Ovtchinnikov, A.V. (2010). Corporate political and contributions stock returns. *J. Financ*.N. 65.PP. 687–724.
26. Demerjian P., Lev B, Lewis MF, McVay SE. (2013). Managerial ability and earnings quality. *Accounting Review*, Vol 88 (2) , pp: 463 498.
27. Demerjian, P., Lev, B., & S.McVay. (2012). The relationship between financial reporting quality and management ability. *Management Science*, Vol. 58, No. 7. Pp. 1229–1248.
28. Faccio, M., (2010). Differences between politically connected and nonconnected firms: A cross-country analysis, *Financial Management*.N. 39 (3).PP. 905–927.
29. Francis, J., A. Huang, S. Rajgopal, and A. Zang. (2013), “CEO reputation and earnings quality”. *Contemporary Accounting Research*.N. 25 (1).PP. 109–147.
30. Fraser, D.R., Zhang, H., Derashid, C., (2006). Capital structure and political patronage: The case of Malaysia. *Journal of banking and Finance*, 30 (4): 1291–1308.
31. Goldman, E., Rocholl, J., & So, J. (2009). Do politically connected boards affect firm value?” *The Review of Financial Studies*.N. 22.PP. 2331–2360.
32. Hendriksen – Eldens, S. (1982. Earning Management During Import Relief Investigations”, *Journal of Accounting Research*, Vol. 193, PP. 210-212.
33. Imai, M., (2006). Mixing family business with politics in Thailand, *Asian Economic Journal*.N. 20 (3).PP. 241–256.
34. Johnson, S. and T. Mitton, (2003). Cronyism and capital controls: Evidence from Malaysia, *Journal of Financial Economics*.N. 67.PP. 351–382.
35. La Porta, R., Lopez-de-Silanes, F., Shleifer, A., & Vishny, R. (2000). Investor protection and corporate governance. *Journal of Financial Economics* 58 (1-2):PP. 3–27.
36. Libby, R., and J. Luft. (1993). Determinants of judgement performance in accounting settings: Ability, knowledge. motivation and environment. *Accounting, Organizations and Society*”, 18 (5), 425–450.
37. Ling, Leng, Z, Xiaorong, Lian., Quanxi, S., & Pingping, Zeng, H. (2016). Political connections, overinvestments and firm performance: Evidence from Chinese listed real estate firms”. *Finance Research Letters* 1–6.
38. March, R., Yeung, B. & Yu, w. (2000). The information content of stock markets. *Journal of Financial Economics*, 95, PP. 215 – 260.

39. Morck, R K., Stangeland, D A., Yeung, B. (2000). Inherited wealth, corporate control, and economic growth: The Canadian disease. In: Morck, R. (Ed.), Concentrated Corporate Ownership. University of Chicago Press, Chicago.
40. Morck, R., & Yeung, B. (2005). Dividend taxation and corporate governance. *Journal of Economic Perspectives*, 19(3), 163-180.
41. Nelly Sari, R., Anugerah, R. (2011). The Effect Of Corporate Transparency On Firm Performance: Emperical Evidence From Indonesian Listed Companies”, *Modern Accounting and Auditing*, Vol. 7, No. 8, pp. 773-783.
42. Plumlee, M., and T. Yohn. (2012). An analysis of the underlying causes attributed to restatements. *Accounting Horizons*.N. 24 (1).PP. 41–64.
43. 45-Pomerleano, M., (1999). The East Asia crisis and corporate finances: The untold micro story. Working paper, World Bank Policy Research Working Paper No. 1990.
44. Samuel Jebaraj, B. , Mazlina, M., & Effiezal Aswadi, A, (2016). Political connections, institutional investors and dividend payouts in Malaysia. *Pacific Accounting Review*, Vol. 28 Iss: 2, pp. 153 – 179.
45. Shleifer, A., Vishny, R., (1994). Politicians and Firms Quarterly". *Journal of Economics*.N.109. PP. 1025-995.
46. Tobin, J. (1984). On the efficiency of the financial system. *Lloyd's Banking Review* 153 (July):PP. 1–15.
47. Tullock, G., (1967). The welfare costs of tariffs, monopolies, and theft. *Western Economic Journal*.N. 5.PP. 224–232.
48. Watts, R. L. (2003). Conservatism in accounting, Part I, explanations and implications. *Accounting Horizons* 17 (3):PP 207-221.
49. Zhang, J. L & Ge, W., Matsumoto. (2010). Do CFOs have style? An empirical investigation of the effect of individual CFOs on accounting practices. *Contemporary Accounting Research*, 28(4), 1141–1179.

Managerial Ability and Fraudulent Financial Reporting Regard To the Moderating Effect of Government Affiliates Corporate and Auditor's Class

Meysam Doaei¹⁹

Elham Gohari²⁰

Abstract:

This research investigates the relationship Managerial ability and fraudulent financial reporting regard to the moderating effect of government affiliates corporate and auditor's class, using data from 105 listed companies in the period from 2008 to 2018. In this research, the fraudulent financial reporting variable is a dependent variable that is calculated using the profit management model and also the variable of managerial ability as an independent variable, the dependency variables of the state and the auditor's class as the moderating variables and the variables of stock price fluctuations, firm size, rate of return on assets, ratio of book value to market value, company's age and corporate leverage as variables Control has been used. In addition, to test the hypothesis of the research, panel models, Eviews, and Stata software have been used. The results of hypothesis testing indicate that the ability to manage alone has a positive and significant effect on fraudulent financial reporting. In addition, the results of the research indicate that the dependencies between the government and the auditor's class do not have a moderating role on the relationship between the ability to manage and fraudulent financial reporting.

Keywords: Fraudulent Financial Reporting, Managerial Ability, Government Affiliated Companies, Auditor Class.

JEL Classification: M41, M42, M48, M38

¹⁹. Department of Financial Management, Esfarayen Branch, Islamic Azad University, Esfarayen, Iran (Corresponding Author) mdoaeii@gmail.com

²⁰ Master of Financial Management, Islamic Azad University, Esfarayen, Iran.